

در دفاع از سوسیالیسم (۸)  
کارزار تحریم انتخابات، روزنه ای بسوی اتحاد

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• ما خواهان تحریمی منفعلانه و کلیشه ای که صرفاً برای رفع تکلیف و منزه نمودن خود باشد، نیستیم. پیشنهاد ما اتحاد و همبستگی گسترده چپ، جمهوری خواهان دمکرات، احزاب و سازمانهای ملی گرای دمکرات، حول پلاتفرمی برای تحریم آگاهانه و گسترده انتخابات است. ما خواهان آنیم که این نیروها برای تنظیم "پلاتفرم تحریم انتخابات" گرد هم آیند ...

اخبار روز: [www.iran-chabar.de](http://www.iran-chabar.de)

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۶ - ۱۸ اکتبر ۲۰۰۷

" آزادی انسان تنها به انتخاب چیزی محدود نمی شود، بهره مندی از آزادی واقعی هنگامی است که او توانایی درک چگونگی انتخاب و ارزیابی چیزهایی را که باید انتخاب کند را داشته باشد."

" هربرت مارکوزه

"

با نزدیکتر شدن موعد انتخابات مجدداً بحث بین طرفداران تحریم و مدافعین شرکت در انتخابات آغاز گشته، و انتظار می رود در روزهای آینده و مقطع انتخابات به اوج خود برسد. صف بندی موافقین و مخالفین شرکت در انتخابات از هم اینک بین نیروهای چپ نیز خود را آشکار ساخته. چگونگی برخورد با مسئله انتخابات بعنوان موضوعی اجتماعی و البته سیاسی برای چپ دارای اهمیت فراوانی است. برخورد کلیشه ای در قبول یا رد مسئله رویکردی علمی و منطقی نیست و دستاورد مثبتی برای چپ در پی نخواهد داشت. الزاماً رفتار سیاسی چپ بایستی متناسب با شرایط زمانی و موقعیت مکانی جامعه باشد، بدون آن که پرنسیپ ها و باورهای عدالت خواهانه و دمکراتیک خود را فراموش یا بدتر از آن فدای منافع ناچیز سیاسی نماید. رسیدن به چنین فرمولی همواره مشکل و قابل تفسیر می باشد. مطمئناً در جریان انتخابات مجلس هشتم نیز مانند ادوار قبلی کشمکش حول این موضوع داغ تر گشته، و دور باطل چندین ساله تکرار خواهد شد.

اساسی ترین استدلال موافقین برای شرکت در انتخابات، گزینش از میان بد و بدتر، راه یابی تعداد هرچه بیشتر معتدلین به پارلمان، مقایسه احمدی نژاد با خاتمی و ارائه آمارهایی از حضور و نقش نظامیان در عرصه های سیاسی و اجرایی و به تبع آن متشنج شدن اوضاع سیاسی و نظامی منطقه، و افزایش خطر حمله و تحمیل جنگی فاجعه بار به کشورمان می باشد. اپوزیسیون طرفدار رفرم امیدوار است، برای اجرای اصلاحات عمیق ساختاری با سیاست ورزی در عرصه قانون، "گام به گام" حکومت را فراخواند "تا امضای خود پای اسناد حقوقی تدوین شده در زمینه حقوق انسانها و محدودیت دولت ها، که در مراجع معتبر بین المللی تصویب و توسط نمایندگان دول عضو و از جمله جمهوری اسلامی امضاء شده است، را محترم شمرد"، و ضرورت بازنگری قانون اساسی و قوانین جاری بر اساس اصل التزام به اسناد مذکور را بپذیرد، همچنین با "عدول از سیاست" التزام به قوانین جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه که در حقیقت التزام "به منویات مقام رهبری" است، و با درک امروزی از مفهوم التزام به قانون به سوی

التزام به اسناد و میثاق های بین المللی گام بردارد. بخشی از این طیف از مدتها قبل خود را برای شرکت در انتخابات آماده کرده اند. و بخشی دیگر هم منتظر تحولات و حوادث آتی می باشند. و با این استدلال که "امروز تعیین سیاست نسبت

به انتخابات امر پیش رسی است". هنوز نتوانسته اند بر تردیدهای خود فایق آیند.

در مقابل طرفداران تحریم، بر این باورند که نزدیک به سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده است که امکان تحول و تغییرات ساختاری از درون حاکمیت امکان پذیر نیست، و نیروهای اصلاح طلب حکومتی توان و تمایل به انجام چنین تغییراتی ندارند. هراس آنها از به حرکت در آمدن توده های کار و زحمت و جنبش های خودجوش مردمی و رادیکالیسم نهفته در آن و اپوزیسیون تحول طلب، بمراتب بیشتر از انحصار طلبی و قلدری جناح راست حاکم می باشد. این طیف شرکت در انتخابات را اقدامی در مشروعیت بخشی به نظام حاکم و حرکتی وحدت شکنانه در جبهه متشکلت اپوزیسیون ارزیابی می کنند. آنها بر این باورند اگر چه تلاش ها و اقدامات نیروهای ترقی خواه هنوز نتوانسته به تحول و برکناری حکومت فقها بیانجامد، ولی این دلیلی برای خدشه دار کردن چهره اپوزیسیون نمی شود.

بخشی از نیروهای تشکیل دهنده این طیف اعتقادی به روش های مسالمت آمیز ندارند و تنها بدنبال انقلابی توده ای و یا قهرآمیز می باشند. اما بخش عمده این طیف - که ما نیز با آنها هم رای هستیم- آماده است برای هر امکانی ولو اندک، متناسب با ارزش آن هزینه کند. بدون آنکه اهداف و آرمانهایش را قربانی سیاست ورزی نماید. این بخش از نیروهای اپوزیسیون ضمن استقبال از هر حرکتی که به تلطیف اوضاع سیاسی و کاستن فشارهای امنیتی بیانجامد، تمامی اقدامات خود را در راستای گذار از جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه ای دموکراتیک سازماندهی می نمایند. دورنمایی که در آن چپ بتواند پرچم مستقل خود را در دفاع از سوسیالیسم و دموکراسی برافراشته دارد. بخش اعظم آنها معتقدند، چپ مجاز نیست مبارزه برای سوسیالیسم و دموکراسی را به نفع دیگری تعطیل نماید. پیگیری در مبارزه سیاسی، بیانگر خواستگاه اجتماعی نیروهای مبارز، و شکل مبارزه انعکاسی از شرایط عینی جامعه است. و معمولاً شیوه های مبارزه مطابق میل و خواست توده های مردم پیش نمی رود، در این عرصه سهم طبقات حاکم و صاحبان قدرت بمراتب بیشتر از حکومت شوندگان است.

هم چنانکه مشهود است، این بار هم طرفداران شرکت در انتخابات بدون ارائه برنامه و اهداف و راه کارهایشان و بی آنکه استراتژی مورد نظرشان را تبیین کنند، صرفاً با تمسک به ترساندن مردم از جناح راست افراطی متشکل از نظامیان و روحانیت مدرسه حقانی که حول رهبری صف آرای کرده اند، می خواهند خیل میلیونی رأی دهندگان را به نفع اصلاح طلبان سترون حکومتی پای صندوق های رأی بیاورند. آنها مشخص نمی کنند که با شرکت در انتخابات بدنبال چه اهدافی هستند، و نمیخواهند - یا نمی توانند - راه کارشان را در این شیوه مبارزه برای گذار از استبداد حاکم بسوی دموکراسی تشریح کنند. این "مهاجرت لعنتی" و یأس و سرخوردگی ناشی از سرکوب مانع از آن می شود که باور کنند، نتیجه تلاش آنها همراه با طیف های حکومتی از جمله اصلاح طلبان منجر به تحکیم جمهوری اسلامی و یا به عبارتی دیگر تحکیم دیکتاتوری خواهد گردید. آنها در تحلیل هایشان پرداختی به ریشه ها و ماهیت جمهوری اسلامی و بتبع آن به پارلمان آن ندارند. اینکه این مجلس با وتوی شورای نگهبان و حکم حکومتی رهبر- نمونه کوچک آنرا در جریان اصلاح قانون مطبوعات توسط مجلس ششم شاهد بودیم - چه خواهند کرد، و در این تقید

شان به قانون، با موانع قانونی که در یک دور باطل امکان هرگونه تغییری را مسدود نموده، با کدامین مستمسک قانونی راه گشایی خواهند کرد. آنان این اصل مسلم و ساده را فراموش کرده اند، اگر خلق هایی در مراحل از تاریخ توانسته اند، با تمسک به مبارزات مسالمت آمیز موفقیتی را کسب کنند و طبقات حاکم را به قبول خواسته‌های خود وادار سازند، مسلماً آن موارد شامل خلق هایی نبوده که احزاب و نیروهای سیاسی آن متفرق و در تقابل همدیگر می باشند، تنها خلق هایی به این امر دست یافته اند، که اپوزیسیونی متشکل و توانمند و مهمتر از همه، پشتیبانی جنبش های مدنی و سندیکایی متشکل و توانمندی را با و داشته اند. آنان توان باور نیروی توده ها را ندارند، و بجای اتکا به چنین سیل پر توانی چشم هایشان را به قدرت دوخته اند و معامله ای که شاید در آن بالا و بدون حضور توده ها سر بگیرد. مسلماً حاکمان دیکتاتور و مستبد جمهوری اسلامی با چنین ترفندهای ساده لوحانه ای، ذره ای از قدرت و اختیارات خود را واگذار نخواهند نمود.

شرکت یا عدم شرکت در انتخابات جوامع سرمایه داری از اصول ایدئولوژیک چپ نیست. دور نمای چپ در این شرایط از شرکت در انتخابات تحول ساختاری نیست. شرکت در انتخابات و حضور در پارلمان ابزاری است برای پیشبرد تفکر و برنامه چپ در اعماق اجتماع، وسیله ای برای بیان نکته نظرات و تصویرسازی از جامعه مورد نظر خود. در مقابل بهره مندی از این امکان مطمئناً طرف مقابل هم بدنبال اهداف و منافع خود می باشد. شرکت یا عدم شرکت ما اساساً بسته به آن است که در این مشارکت سود و زیان- آنی و آتی - چپ کدام است. در مقابل آنچه که از کف میدهد، چه چیزی بدست میآورد. و تمام سخن ما این است که در سطوح بالای اصلاح طلبان حتی لیبرال ترین و دمکرات ترین!!! آنها کسی حاضر به چنین معامله دو جانبه ای نیست. پس بیهوده روی وقت و سرمایه خود قمار نکنیم.

این حضرات حتی زحمتی به خود نمی دهند تا به پارلمان کشورهایی که مقیم شان هستند، نیم نگاهی بیندازند و موقعیت و جایگاه پارلمان های موجود را با این مجلس شیوخ مقایسه نمایند. اینان اگر بپذیرند که نقطه شروع دمکراسی مردم هستند، که پارلمان و حکومت را بنمایندگی از طرف خود انتخاب می نمایند، و دمکراتیک بودن انتخابات را می توان با معیارهایی چون دامنه، جامعیت، استقلال، درستی و بی طرفی اش سنجید - آزمونی که مطمئناً امتیازی برای جمهوری اسلامی در بر نخواهد داشت - و اگر حقوق بشر که اینهمه ورد زبان شان است محکی برای سنجش باشد، بایستی از این حضرات پرسید، حاکمیت و بتبع آن انتخابات جمهوری اسلامی چقدر با مفاد اعلامیه حقوق بشر سازگار است؟ و اگر حداقل تناسخی وجود ندارد چرا مردم را به شرکت در این انتخابات تشویق می نمایند؟

ذیلاً ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر را برای تدقیق آن با انتخابات جمهوری اسلامی می آوریم:

۱- هر کسی حق دارد که در اداره امور کشور خود، خواه مسقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.

۲- هر کسی حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳- اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی

صداقت و به طور ادواری صورت می پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا  
طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

این حضرات از بیان علنی اینکه معتقد به عبور از جمهوری اسلامی نیستند، ابایی ندارند، و تحول طلبی شان هم  
صرفاً در حد اصلاح جمهوری اسلامی است. و اگر بتوانند به حریم ولایت فقیه نزدیک شوند، شق القمر کرده اند.  
سیاست ورزی اینان مماشات با ج . ا. به امید بهره مندی از الطاف فقیهانه است. یأس و ترسی که بر وجود آنها  
مستولی گشته با دودوزه بازی تیم خارج از کشور اصلاح طلبان حکومتی و خارج از گودهای داخلی شان، چاره ای  
جز مماشات برای اینان باقی نگذاشته است. آنها نمی خواهند درک کنند این امید واهی سرابی بیش نیست. اصلاح  
طلبانی که با داشتن ۲۲ میلیون رأی نتوانستند تحول قابل لمسی را- البته نه ساختاری که انتظار آن چیزی جز بلاهت  
سیاسی نمی تواند باشد- موجب شوند، با آرای نیم بندی- که اگر بتوانند کسب کنند- ادامه دهنده کدام تحولی خواهند  
بود؟

بی تحرکی به بهانه عدم امکان پیش بینی حوادث روزهای آتی، و با این استدلال بهانه جویانه که " امروز تعیین  
سیاست نسبت به انتخابات امر پیش رسی است". نمی تواند رافع مسئولیت نیروهای سیاسی باشد. مگر تا انتخاباتی که  
در چند ماه آینده برگزار می شود، چه حادثی رخ خواهد داد، و یا چه تحولی در جمهوری اسلامی بوقوع خواهد  
پیوست که ما را از اشتباه در اتخاذ تصمیم زود هنگام بترساند. اگر بخواهیم بصورتی فعال و تأثیر گذار در این  
صحنه حضور داشته باشیم و به صدور بیانیه ای در روزهای انتهایی بسنده نکنیم، متأسفانه فرصت چندانی هم باقی  
نمانده، رژیم مدتها پیش این پروژه مضحک را شروع کرده است.؟؟؟

نبایستی انکار نمود با استیلای نظامیان بر مجلس و دولت به رهبری احمدی نژاد اوضاع منطقه متشنج تر، خطر  
جنگ افزون تر و فضا سیاسی جامعه سنگین تر گشته، این تنها استدلال محکم و قابل اتکای آنهاست. در این رابطه  
نظر آنان را به موارد زیر جلب می کنیم :

- تصمیم به سپردن سکان اجرایی به دست نظامیان و راست افراطی، در عالی ترین سطح حکومتی اتخاذ گردیده،  
و توافق ضمنی بخشی از رهبران اصلاح طلب را هم بدست آورده اند. چرا خاتمی نخواست کوچکترین مقاومتی در  
برگزاری انتخابات فرمایشی از خود نشان دهد؟ مگر هم او نبود که از سلامت انتخابات ریاست جمهوری نهم دفاع و  
اعلام نمود سالم ترین انتخابات را برگزار کرده است؟

- دوم خردادی ها علیرغم آنکه نقش اپوزیسیون را بازی می کردند، ولی در عمل حامی همین جناح حاکم شدند.  
هر وقت که نقش و تأثیر توده ها افزوده می شود، آنها پا پس می کشیدند. آنها فقط به آرای مردم نیاز دارند نه به  
خواسته هایشان. در سرکوب ۱۸ تیر ۷۸ اصلاح طلبان علیرغم ظاهر سازی با سرکوب گران همراهی و یا رندانه  
سکوت کردند.

- یک دست شدن حاکمیت علیرغم سنگین تر نمودن فضای سیاسی، حداقل موجب پولاریزه جامعه و جدائی  
صفوف گشته، و دولت دیگر نمی تواند نقش اپوزیسیون را بازی کند. مردم بدرستی کل حاکمیت را در مقابل خواسته  
های خود می بینند.

متأسفانه در استدلال های این آقایان موضوع کانون اصلی قدرت در حاکمیت غایب است. قدرتی که از ترکیب قدرت سیاسی- نظامی با قدرت مذهبی در وجود شخص رهبر و بیت رهبری تجلی یافته. نه خاتمی و نه احمدی نژاد توان تغییرات بنیادی و خارج از اراده رهبری را ندارند. البته خود نیز مایل به چنین کاری نمی باشند، و در تمامی کارکردها و موضع گیری هایشان بدنبال اخذ تأیید رهبری هستند.

اینان چنان یقه روشنفکران و فعالین سیاسی را چسبیده اند، که گویا عدم مشارکت روشنفکران و گروه های سیاسی بحران زده، تعیین کننده نتیجه انتخابات خواهد بود. این حضرات بخاطر ندارند که حاکمیت در صورت لزوم تمامی قواعد بازی را زیر پا می گذارد. و احمدی نژاد نفر چهارم - پنجم را با چند پله صعود به مرحله دوم می برد و حکم ریاست جمهوری را به نام ایشان صادر می نماید. جالب است که آن موقع مجری انتخابات اصلاح طلبان بودند. امروز که ریش و قیچی یکجا در دست جناح راست حاکم میباشند، انتظار معجزه ای از این امامزاده داشتن حماقتی مضحک است.

قیاس وضعیت خاتمی با دهه ۶۰ جمهوری اسلامی مقایسه نادرستی است. دستاوردهای ناچیز مردم را که براساس فشار از پایین بدست آمده، اگر با پیشرفت دموکراسی در سطح جهان مثلاً در کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای هم چون شیلی، آرژانتین، برزیل، آفریقای جنوبی و ... مقایسه کنیم، مشاهده خواهیم نمود، که رشد دموکراسی در کشور ما به مراتب پایین تر از تراز میانی جامعه جهانی قرار دارد، حتی پایین تر از افغانستان و پاکستان. رشد دموکراسی نیم بند بورژوازی در کشور ما قابل مقایسه با کشور همسایه مان، ترکیه نیست.

مهم تر از همه اینکه این آقایان باید مشخص سازند که چپ از مشارکت در این انتخابات چه سودی خواهد کرد، در واقع هیچ. ولی در مقابل چیزهای زیادی را از کف خواهد داد. در وهله نخست اعتبار سیاسی، متحدین و دوستان خود، و اعتبار بخشی به حاکمیت و تأیید سلامت انتخابات. عدم مشارکت گروه های سیاسی، حتی اگر همراهی مردم را با خود نداشته باشد، اعتبار انتخابات غیر دموکراتیک را زیر سوال برده، و رژیم را در موضع داخلی و خارجی شکننده تر می سازد. اگر عدم مشارکت گروه های سیاسی با استقبال گسترده مردم روبرو شود، این امر صورت جدی تری بخود خواهد گرفت.

تیم خارج از کشور اصلاح طلبان که برای جلب نیروهای اپوزیسیون به مشارکت در انتخابات به نفع اصلاح طلبان حکومتی فعال شده اند، تا همراهی - البته بخش پر مدعا و بی خاصیت - اپوزیسیون خارج را هم بدست آورند، بایستی بطور شفاف اعلام کنند، در قبال حمایت ما از آنها در انتخابات آتی و در صورت کسب پیروزی، متقابلاً چه امتیازاتی به ما خواهند داد. آنها که در موضع گیری های رسمی شان صراحتاً حد و مرز هایشان را با ما حفظ می کنند و از بردن نام ما بعنوان حامیان خود ابا دارند. چرا باید انتظار حمایت ما را داشته باشند؟ بعنوان مثال به سخنان محمد سلامتی دبیر کل مجاهدین انقلاب اسلامی که نمونه بارزی از این سیاست است، توجه کنید: " اصلاح طلبان با اپوزیسیون غیرقانونی و برانداز مرزبندی آشکار دارند" و " ما خود را متعلق به انقلاب می دانیم". با این اوصاف که آنها حتی به جدا کردن صف خود از ما بسنده نکرده و خود را در مقابل ما می بینند. چرا باید انتظار حمایت ما را داشته باشند؟ و چرا با گسیل تیمی از اصلاح طلبان حکومتی به خارج از کشور در پی جلب نظر اپوزیسیون می

باشند؟ اگر رأی ما تعیین کننده نیست، پس آنها بدنبال کدامین هدف می باشند که سیاسیون پا به سن گذاشته ما از درک آن عاجزند؟ چپ که پیشکشان اینان تحمل ملی - مذهبی های خودشان را هم ندارند. چند روز قبل آقای موسوی لاری وزیر کشور خاتمی صراحتاً اعلام نمود: " به هیچ عنوان اصلاح طلبان با ملی- مذهبی ها ائتلاف نخواهند کرد."

در چنین شرایطی، شرکت ما در انتخابات نه تنها بمثابه همراهی و تأیید حکومت ضد بشری و قرون وسطایی جمهوری اسلامی است بلکه در کنه خود ادامه خط دفاع از جمهوری اسلامی ضد امپریالیست اوایل انقلاب می باشد. این سیاست نابخردانه همچنین موجب دوری از مردم، تخریب سیاسی اپوزیسیون، راندن متحدین طبیعی و واقعی خود، و تعمیق تفرقه و تشتت حاکم و جلوگیری از بیار نشستن بارقه های وحدت که در یکی دو سال اخیر خودی نشان داده، خواهد شد. ما تمامی جمهوریخواهان دمکرات و آزادیخواهان تحول طلب خصوصاً سازمان ها و احزاب چپ را فرا میخوانیم، هوشیارانه از این دامی که حکومت جمهوری اسلامی پیش پای آنها گسترده است، دوری گزینند. وبا گرد آوری نیروهای خود در کارزاری گسترده برای تحریم فعالانه و آگاهانه انتخابات، اتحاد گسترده ای را برای استقرار دمکراسی و سلب قدرت استبدادی جمهوری اسلامی پایه ریزی نموده و امیدهای مردم کشورمان را بارور سازند.

ما خواهان تحریمی منفعلانه و کلیشه ای که صرفاً برای رفع تکلیف و منزله نمودن خود باشد، نیستیم. پیشنهاد ما اتحاد و همبستگی گسترده چپ، جمهوری خواهان دمکرات، احزاب و سازمانهای ملی گرای دمکرات، حول پلاتفرمی برای تحریم آگاهانه و گسترده انتخابات است. ما خواهان آنیم که این نیروها علیرغم اختلافات عمیق و کهنه شان، برای آزادی مردم میهنمان و تأمین عدالت اجتماعی برای توده های کار و زحمت، شجاعانه برای تنظیم "پلاتفرم تحریم انتخابات" گرد هم آیند. ما مصرانه از آنها می خواهیم با سیاستهای تفرقه افکنانه و خودمحوارانه شان به پاروکشان بی مزد جمهوری اسلامی تبدیل نشوند. این اقدام مشترک می تواند گامی بسوی سازماندهی اتحادی گسترده تر با مشارکت احزاب و سازمانهای چپ ایران حول دمکراسی و عدالت اجتماعی باشد. تا اتحاد چپ خود محوری برای اتحادی گسترده تر حول خواستهای دمکراتیک مردم کشورمان شود.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ( داخل کشور)